

گزارش زنان

اجاره نشین‌های کوچک

فاطمه مصطفوی

اینجا زندگی خوب معامله می‌شود، یکی بچه ندارد و یکی هم بچه دارد و هم رحم اجاره ای... زنهایی که کار می‌بوی به استخوان زندگیشان نشسته به مراکز درمان نابری می روند تا رحمتشان را به زن دیگری اجاره دهند.

زندگی اینجا خیلی خنده دار می‌شود، آفتقر می‌خندی که ته دلش از شدت غصه شکاف برمی‌دارد. این خنده از سر آشنگی است، چیزی بالاتر از گریه، اشک خنده هایت بر روی پرزوده ای می‌افتد، خشکت می‌زند:

زنی ۲۲ساله جنینش را به رحم مادرش سپرده، مادرش ۴۵ساله است. زنی نسبتاً قوی، چهار تا بچه را سالها پیش به دنیا آورده و بزرگ کرده، حالا می‌خواهد نوه اش را به دنیا بیارد. همین که با پیش می‌گذاری تا مادر بزرگ باردار را در اتاق سونوگرافی ببینی صدای جیب و داد و دعوا می‌شود. دون زن سر بچه ای که دیگری در رحم دارد دعوا می کنند. می‌مانی اما کس است؟ یاد داستان مشمشیر و دوامری می‌افتی که فرار بود برای رضایت آنها بچه را از وسط دو نیمه کنند و آنکه مادر واقعی است ناگهان از حق خود می‌گذرد و التماس می‌کند که بچه را دو نیم نکنند.



حالا زنی با شکم برآمده از اتاق بیرون می‌آید تا آغو لندنگان برود و زنی پشت سرش التماس می‌کند که بماند، اومی گوید: تو روح خدا، خوب من که همه چیز بهت می‌دهم، غذا و سبزی و میوه و خورد و خوراکت را تأمین می‌کنم، خوب دواها و نور بهم بخور دیگر، بابا پنج ماهش گذشته، من که همه پول را اول اادم. چهارماه دیگر هم صبر کن. خدا سایه ات را از سر بچه هایت بکنم. زن برمی‌گردد نگاهی پر از امنت می‌کند دوباره راهی اتاق سونوگرافی می‌شوند.

صداهای تازه خوابیده بود که دوزن جوان با هم وارد می‌شوند، دو جارتی. هر دو خنده رو و مسر حال. وضع مادران و بچه خوب است. همه را شنیده. هم جارها و هم پزشک. مادر اصلی به جاریش موزی می‌دهد و او هم نمی‌خورد و نوبی کیشش قایم می‌کند تا ببرد خانه و به پسرش بدهد. مادر اصلی با شوخی می‌گوید: فکر کردی موز را برای تو آوردم؟ این برای بچه ام است که توی شکم توست و جاری موز را می‌خورد. زنی جوان، خیلی جواتر از آنکه بخواهد رحمش را به معامله

یادداشت

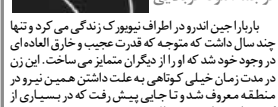
روایتی دیگر از نیمه دوم

مریم سامانی آغاز هر کاری سخت و دشوار است. بخصوص که اگر بخواهی در این آغاز با وسعتی رو به رو باشی که هزاران کار را نیز با تو رو به رو کند. روزی که قرار شد صفحه زن شکل جدیدی به خود بگیرد، می‌دانستیم که با یک دنیا ایده و نظر رو به رو هستیم. نظراتی که گاهی فاصله بسیار با هم دارند و ما به عنوان اجرا کننده باید تمام این مخاطبان را که حتماً همه شان زین نیستند در نظر بگیریم تا در خانه‌هایی وارد شویم که هرگز نباید تا قبل از این، این صفحه جایی نداشته است. این بود که ناگهان را تا آن دور دست‌ها به پرواز در آوریم و از این سوی تا آینده پیش خواهیم برد. چرا که زن، در کشور ما از ای است پربار و نجیب. به از آن نجابت زنانه می‌توان گذشت و نه از عشق مادرانه‌ای که همیشه زاینده بوده است و نه از زنانی که در قالب همسر چه فدا کاریهایی کرده اند و می‌کنند و نه از دختران جوانی که در عرصه دانش به گونه‌ای وارد شده اند که حضورشان اقتضای آفرین و غرور انگیز است.

زنان عجیب

پزشک متخصص دربار سلامت این زنان می‌گوید: زنهایی که رحمشان را اجاره می‌دهند باید سالم باشند. ناراحتی قلبی، دیابت، فشار خون و سابقه سمومیت حاملگی نداشته باشند. رحم اجاره ای، تنها راهی است که گاهی در دو راهی یا سه راهی انتخاب برای زنان می‌ماند. هم زنی که رحمش را به بیگانه می‌آورد و هم زنی که بدون یا نبودن فرزند برایش حیاتی است و شاید رضایت به داراییها و شکست داراییها از میان نداریها از همه این معاملات راحت تر و بهتر باشد.

زنان عجیب



زنی با دستهای آهنربایی

ترجمه: مونا کرلایی

باربارا جین اتنرو در اطراف نیویورک زندگی می‌کرد و تنها چند سال داشت که متوجه که قدرت عجیب و جادوی الهامی در وجود خود شد که او را از دیگران متمایز می‌ساخت. این زن در مدت زمان خیلی کوتاهی به علت داشتن همین نیرو در منطقه معروف شد تا جایی پیش رفت که در بسیاری از کشورهای جهان شهرت یافت. باربارا جین اتنرو در حالی که دستکشی سیاه رنگ در دست دارد می‌گوید: سه یا چهار سال بیشتر نداشتم که متوجه شدم با افراد غیرمعمول فرق دارم. هر وقت می‌خواستم چنگال یا قاشقی فلزی را از دست بگیرم، دچار مشکل می‌شدم. چنگال و قاشق محکم به دستم می‌چسبیدند. از این مساله دچار مشکل و ناراحتی می‌شدم. پدرم مادرم که فکر می‌کردند این مشکل به خاطر عرق کردن زیاد دستان من است مرا پیش چند پزشک بردند.

وی اضافه می‌کند: پزشکان نمی‌توانستند برای من کاری انجام دهند و بالاخره من از نزد چند متخصص در اروپا برآمد آزمایشات زیادی روی من انجام شد عکس‌هایی از نقاط مختلف بدن من گرفته شد، هیچ‌کس نمی‌توانست توضیحی علمی نسبت به آنچه که در وجود من می‌گذشت داشته باشد. چند پزشک اعلام کردند که وقتی بزنگر شوم قلبم دچار مشکل می‌شود. تمام سوزن و وسخ‌ها به دستم می‌چسبند. بیشتر این خاصیت را دارم در دوره ای که تمام کلام من مستقیم به این خاصیت تعلق می‌گیرد: دستم چپ من خاصیت ترمیم دارد و به هر چیز فلزی که به آن می‌چسبید و من سعی می‌کردم آن را جدا می‌شود شبیه شلی یا آرزو کنند که این ویژگی من برای آن‌ها بسیار مفید است. مشکل است که آدم نتواند چیزی بشنود، وقتی از لمس کند. می‌خواهد می‌باید که متوجه شود که چه چیزی را لمس می‌کند. وقتی از لمس کند، متوجه می‌شود که چه چیزی را لمس می‌کند. تصور کنید حتی اگر می‌خواستید در آن زمان که دستم کم هرگز نمی‌توانم آن را بیرون بیاورم هرگز بازو و وقتی که انگشتم کاملاً بیچاره است شده است، باربارا در مورد اینکه چگونه آلتزنی می‌کند، می‌گوید: درست کردم خودم خدایان را من خیلی سخت است چون نمی‌توانم آلتزنی کنم. اما به یاد دارم که آنقدر آلتزنی می‌کنم که دستم دردناک می‌شود، به هم می‌چسبند و برای همین سعی می‌کنم اگر از وسایل عجیب و سنگی استفاده کنم ولی هرگز نمی‌شود تمام وسایل آلتزنی‌ها را از چوب تهیه کرد. می‌خواهد می‌باید که متوجه شود که چه چیزی را لمس می‌کند. تصور کنید حتی اگر می‌خواستید در آن زمان که دستم کم هرگز نمی‌توانم آن را بیرون بیاورم هرگز بازو و وقتی که انگشتم کاملاً بیچاره است شده است، باربارا در سن ۷۵ سالگی در اثر یک تصادف سیاه‌سپرد این ویژگی را در حالی که او هنگام این تصادف درگیر استکشن در دست نداشت. عده‌ای اعتقاد دارند که علت امر برگ او برگ جذب ماشین به سوی باربارا بود. هر چند که دستم تصادف باربارا برای آن تصادف برگ‌خیز است خور از دست دادند.



کنج خارنه، افسرده و تنها

حسین خانی

شاید با ایجاد مکان‌های تفریحی ویژه زنان مثل پارک‌های عمومی، استادیوم‌ها و سالن‌های ورزشی که هزینه آنچنانی را بر شوش زنان خانه‌دار نگذارد و همچنین جرایم دادن شماره تلفن خان‌ها در قبل از مراجعه به پزشک می‌داند. یوی بر این عقیده است که جامعه ما بیشتر از درمان پزشکی و ارتوپد، احتیاج به اقدامات غیر پزشکی و رفتار اجتماعی افراد دارد. زن باید از روابط شوهران خود برای مشارکت بیشتر در جامعه و برقراری ارتباط با دیگران مرد تشویق شود تا بتواند با او و به عرصه اجتماعی که به حفظ منافع جامعه و در کنار آن تقویت خودیاری می‌کنند.

زهرنازاد بهرام - معاون فرماندار تهران - اصلاح دیدگاه مردم نسبت به زنان خانه‌دار را جمله‌ای مهم درمان افسردگی زنان خانه‌دار قبل از مراجعه به پزشک می‌داند. یوی بر این عقیده است که جامعه ما بیشتر از درمان پزشکی و ارتوپد، احتیاج به اقدامات غیر پزشکی و رفتار اجتماعی افراد دارد. زن باید از روابط شوهران خود برای مشارکت بیشتر در جامعه و برقراری ارتباط با دیگران مرد تشویق شود تا بتواند با او و به عرصه اجتماعی که به حفظ منافع جامعه و در کنار آن تقویت خودیاری می‌کنند.

روم کرده و کیود انتظار ورود به شعبه‌های دادگاه و ارائه دادخواست طلاق را می‌کنند.

یک مقام قضایی با بیان اینکه نزدیک به ۹۰ درصد زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند، از زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند این معضل را از عوامل اصلی ورود افسردگی در زنان خانه‌دار عنوان می‌کند.

به اعتقاد وی جامعه در زمینه برنامه‌ریزی برای آنان ناتوان بوده و توانسته به نیازها و احساسات آنها توجه کافی بنماید. به همین دلیل هم بسیاری از خواسته‌های آنان بدون پاسخ مانده و چون کوچه پر شدن استسکینی می‌کند. آنها احساس بوجی و محقرت می‌کنند. شغل آنان مفید تلقی نمی‌شود و نوعی خود را سرسبار خانواده می‌پندارند.

در همین راستاستد که وقتی مدیر کل امور اجتماعی استانداری کهنکلیوه و بوبر احمد آمار خودکشی‌های سال ۸۲ را در این استان نسبت به سال ۸۱ بررسی کرد، ۴۰ درصد از افزایش ۴ درصدی آن خبر می‌دهد می‌گوید: ۷۴ درصد از خودکشی‌های موفق و مبرمج به مرگ، مربوط به زنان بوده است و ۲۰ درصد از این زنان بین ۱۷ تا ۳۵ سال سن داشتند.

این در حالیست که آمار مشابه از سایر استان‌ها نیز مشابهت با نمودار اعلام شده دارد و اگر در بعضی نقاط کشور با کاهش این روند نگران کننده روبرو هستیم به دلیل اهمیت دادن به زنان در آن مناطق نبوده بلکه به دلیل جمعیت بالای روستائین این قسمت‌ها، بسیاری از خودکشی‌ها به مراکز قانونی اعلام نشده و در جایی ثبت نمی‌شود تا آمارها به حساب